

مریم مجدلیّه

اسوّه نجات زن مدرن

www.erfan-darmani.ir
www.erfan-darmani.net
www.erfan-darmani.blogfa.com

دکتر علی اکبر خانجانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان کتاب : مریم مجدلیّه

مؤلف : دکتر علی اکبر خانجانی

تاریخ تألیف : 1387/10/ 2

تعداد صفحه : 10

بِسْمِ اللّٰهِ الْخَيْرِ التَّوَابِينِ

۱- امروزه وقتی یک زن مسلمان را دعوت به حضرت فاطمه (ع) یا زینب (ع) و یا مریم (ع) می کنی اگر اعتقادی مذهبی داشته باشد و شهادت فحش و طرد و لعن نداشته باشد حداکثر با حفظ حرمت می گوید: اینها همه پیامبر زاده و از خاندان عصمت و آل الله بودند. پدرشان پیامبر و قدیس، شوهرشان، برادرشان و فرزندانشان همه امام و قدیس بوده اند آنها بطور ژنتیکی و پشت اندر پشت. ما را به آنان چکار بگذار به بدبختی و شومی سرنوشت زنانه خود بنالیم. دست از سرمان بردارید و ما را بیش از این تحقیر نکنید.... آیا نه اینست!؟

۲- امشب می خواهم شما را به زنی معرفی کنم که نه پیامبر زاده و امام زاده است و نه هیچ ارتباطی به شجره طیبه دارد بلکه کاملاً بعکس است. یک روسپی معروفه شهر و مبتلا به همه نوع مفاسد اخلاقی و یک جذامی (پخوانید ایدزی به زعم امروزیها). که بناگاه میڈل به زنی همطراز مریم مقدس و بلکه برتر از او شد و وکیل و وارث و وصی و امام حضرت مسیح گردید که بعد از او مسیحیت را بنا نهاد و رهبری کرد. نام او مریم مجدلیه است.

۳- مریم مجدلیه، غایت و اسوه تباهی یک زن و سپس غایت و اسوه رستگاری و کمال یک زن توأمان است. پس براستی زنی کامل است و هرچه دارد از خودش است و نه بمیراث. و بلکه میراثش از نژادش همان تباهی بود و آنچه خودش شد کمالش بود.

۴- می گویند در پای صلیب مسیح (ع) از طرفدارانش فقط دو تا زن بودند. دو تا مریم که من آنها را مریمین می نامم و این نشان می دهد که در آن عصر تا چه حدی مردانگی از میان رفته بود و مسیح آخرین مرد بود که بر صلیب رفت بدلیل مردانگیش. و این دو زن بعد از مسیح دین و رسالت و هدایتش را اشاعه دادند و زنده ساختند.

۵- مسیح (ع) بسیاری را شفا داده بود که اکثرشان با دستگیری و محاکمه مسیح، به او پشت کردند و حتی در سنگبارانش شرکت نمودند حتی حواریون مرد هم انکارش کردند که: این چه ناجی ای بود که نتوانست خودش را نجات دهد!؟

۶- ولی تنها دو زن او را انکار نکردند. یکی مادرش بود که هیچ دلیلی بر انکار نداشت زیرا او را زانیده بود و می دانست که نطفه اش را خود خداوند در رحم او کاشته است و مسیح حاصل همسری او با خداوند است. و از کودکی شاهد معجزات و حجّت های مسیح بود. و علاوه بر این مادرش بود و هیچ مادری پسرش را تکفیر و انکار نمی کند تا چه رسد به پسری مثل مسیح را که «پسر خدا» نام گرفته است.

۷- پس درواقع تنها و تنها یک انسان بود که در ورای علانق نژادی و عواطف کور و سوابق ژنتیکی، مسیح را پس از دستگیری و محکومیت و مصلوب شدنش انکار نکرد و بلکه سائر حواریون را هم به توبه واداشت و بخود آورد و به ایمان بازگردانید و وظایف و رسالتهای آنان را مستقیماً از خود مسیح بعد از عروجش دریافت می کرد و به آنها ابلاغ می نمود. درواقع بدون مریم مجدلیه مسیحیت با از دنیا رفتن مسیح، پایان می یافت. و این حق را مسیحیت رایج هرگز درک و تصدیق نکرده است و این بدلیل رسوخ بنی اسرائیل در دین مسیح بود که قومی بغایت نژاد پرست و مرد سالار بود و زن را حتی لایق ورود به معابد خود نمی دانست.

۸- بنظر بنده مریم مجدلیه به لحاظ مقام انسانی و روحانی در رأس همه زنان مؤمنه و قدیس در تاریخ بشر قرار دارد و در این امر تردیدی ندارم.

۹- در معارف اسلامی و دینی آمده که عزیزترین بندگان در نزد خداوند نه کسانی که گناه نکرده اند بلکه کسانی اند که گناهان بزرگ کرده و سپس توبه کرده اند. از این منظر بایستی مریم مجدلیه را عزیزترین بنده خدا در کل تاریخ بشر دانست. او را باید «پیامبر توبه» نامید و بلکه پیامبر اولوالعزم توبه!

۱۰- در روانکاوای جدید مسلم شده است که ترک روسپی گری برای زن بمراتب شاقه تر از ترک هروئین است و این بدان معناست که در مقام توبه ، انسانی برتر از مریم مجدلیه در تاریخ گزارش نشده است و می دانیم که در دین خدا ، عملی مقدس تر و خداپسندانه تر از توبه نیست و هرچه که گناهی بزرگتر و شدیدتر باشد توبه اش هم بزرگتر و مقدس تر است . دین خدا در یک کلمه چیزی جز توبه نیست و لذا مریم مجدلیه کاملترین و درخشانترین سیمای دین خدا در تاریخ است که به ثبت رسیده است .

۱۱- خداوند در قرآن می فرماید کسانی که توبه می کنند و مورد عفو او قرار می گیرند به اجری برتر می رسند و آن اینکه همه بدیها و گناهان آنها را هم تبدیل به حسنات می کند . این آیه را در هیچ شخصیتی چون مریم مجدلیه نمی توان احساس و درک نمود . و اینست که اینک نام بردن از گناهان او موجب افتخار او در نزد خدا و خلق است و این از کرامت و رحمت ویژه خداوند در حق توبه کاران است .

۱۲- به یک روایت تاریخی مریم مجدلیه قبل از دیدار با مسیح ، در همان باند جنایتکاری بود که باراباس رهبری می کرد یعنی او یک روسپی جنایتکار نیز بود و زندگی اشرافی داشت . ولی بعد از توبه کاملاً فقیر شد و تنها و بیکیس که لاجرم با حضرت مریم می زیست .

۱۳- مریم مجدلیه بعنوان یک زن و یک بشر ، در اوج همه انواع گناهان می زیست تا آنکه با مسیح روبرو شد آنهم درحال سنگسار شدن . که مسیح باعث رهایی او از مرگ شد . هنگامی که مسیح به صحنه سنگسار شدن مریم مجدلیه رسید که تا نیمه بدن او در میان سنگ دفن شده بود خطاب به مردمی که سنگ می انداختند گفت : طبق شریعت موسی کسانی می توانند سنگ بیندازند که خود هرگز زنا نمی نکرده باشند . و با این سخن مسیح بسرعت میدان شهر از مردم خالی شد و دیگر کسی سنگی نینداخت . و مریم مجدلیه ایمان آورد و چه ایمانی .

۱۴- شفای مریم مجدلیه از بیماری جذام امری بود که بعد از ایمانش رخ داد . و لذا او از جمله کسانی نبود که بواسطه معجزه عینی و فیزیکی ایمان آورده باشد . اکثر چنین انسانهایی بعداً در امتحانی کافر شده اند و انکار کرده اند . یعنی ایمان مریم مجدلیه ، ایمانی عارفانه و قلبی و روحانی بود .

۱۵- اگر در آن روزگاران آنهم در جامعه شدیداً مذهبی یهود ، کسی نبود که زنا ناکرده باشد پس وای بر امروز . مضاف بر اینکه در دین مسیح و باور او ، زنا از چشم آغاز می شود و چشمان هیز و هرزه هم زناکار محسوب می شوند که زنائی نامرئی و پنهان و غیر محسوس است .

۱۶- در یک روایت شیعی در حدیث قدسی می خوانیم که خداوند حضرت ابراهیم را به ملکوت آسمانها بالا برد و بر احوال و اعمال پنهان خلق شاهد گرفت . و ابراهیم به هر خانه ای که سر کشید همه مشغول زنا بودند و آنان را نفرین کرد و هلاک شدند . تا آنجا که خداوند به ابراهیم (ع) فرمود : ای ابراهیم آیا قصد داری که نسل بشر را از زمین براندازی !؟؟

۱۷- از این حدیث درک می کنیم که مسئله زنا بس وسیع تر از آن چیزی است که در عرف جامعه موسوم است . چه بسا زن و شوهرهایی که باهم زنا می کنند زیرا نفس آنها در تسخیر نامحرمان است که در همخوابگی فعال می شوند . و این زنائی نامرئی است که بمراتب از زنائی مرئی هولناکتر و زشت تر و تباه کننده تر است . و امروزه بواسطه رسانه های جهانی و عریانی خیابانی همه آحاد بشری به این نوع زنائی نامرئی مبتلایند . و خدا بهتر می داند و پناه بر او .

۱۸- بسیاری می پندارند دین مسیح تماماً اغماض و تسامح و تساهل است بدانگونه که در مسیحیت غربی شاهدیم . درحالیکه با همین تفسیر مسیح درباره زنا به خلاف این باور می رسیم . و بلکه دین مسیح بغایت لطیف و دقیق و عمیق و سخت گیر بوده است به لحاظ شریعت . و لذا او اساس هدایت را در دینش فقط ولایت و محبت به او قرار داده است که : «ای مردم مرا دوست بدارید و تصدیق کنید تا زنده و رستگار شوید .» و البته آنکه زنده و بخشوده و رستگار شد دیگر گناه نمی کند و نه اینکه بر گناهانش بیفزاید .

۱۹- مریم مجدلیه فقط بواسطه تصدیق مسیح و محبت به او بود که توانست به چنان توبه کبیری نائل آید و خود یک قدیس برتر و اهل کشف و شهود عرفانی و بلکه اهل معراج شود زیرا مستمراً با مسیح بعد از عروجش دیدار می نمود . و لذا بایستی مریم مجدلیه را عارفی بزرگ و منحصر بفرد نیز دانست . این واقعه از جنس هدایت عرفانی در عرفان امامیه است که اساس هدایت و تعالی روح بر محبت به امام یا پیر قرار دارد .

۲۰- مریم مجدلیه مظهر کمال استضعاف یک زن در دوره قبل از دیدار با مسیح بود زیرا زن روسپی نبود شده ترین بشر است زیرا اراده در او نابود شده است. و زن که خود ذاتاً ضعیفه است و زن روسپی ضعیفترین بشر است آنها از نوع جذامی اش آنها در یک باند جنایتکار و آدمکش و دزدهای سرگردنه که کل حکومت روم از دستشان به ستوه آمده بود و لذا بالاخره به کمک یک لشکر به این باند حمله نمودند و رهبرش باراباس را دستگیر کردند که ماجرای عفو شدن او و نجاتش از مرگ هم بخاطر مسیح بود که حاکم رومی مردم را بین مسیح و باراباس مختار نمود تا یکی را عفو کنند و مردمان باراباس را عفو کردند. و می دانیم که باراباس پس از آزادی اش و نیز تحت تأثیر مریم مجدلیه به حمایت از مسیحیان برخاست و نخستین انقلاب مسیحی در روم برپا شد که منجر به سقوط حکومت گردید و این نخستین پیروزی اجتماعی مسیحیت بود. و باراباس هم یک مرد کاملاً تباہ و نابود شده بود که پس از پیروزی نهضت او، دوباره مصلوب شد منتهی این بار به جرم مسیحی و مؤمن بودن.

۲۱- در میان حواریون مسیحی، یهودا ثروتمندترین و تحصیل کرده ترین بود و بقول معروف یک نجیب زاده و روشنفکر بود که مسیح را به سی سکه نقره فروخت. و این حجت نیز دال بر این حقیقت است که مستضعف ترین و بدبخت ترین و تباہ شده ترین و گناهکارترین آدمها به رحمت و بخشش الهی بسیار نزدیکترند اگر توبه کنند. در این میان معتادان عصر ما نیز در رأس این قاعده قرار دارند پس باید امیدوار باشند و روی بخدا کنند که به نیم نظری بخشوده و رستگارند.

۲۲- امثال مریم مجدلیه و باراباس اسوه های کمال رحمت خدا بر تباہ ترین و نومید ترین و گناهکارترین افراد و گروههای بشری اند. اینان به عامه مردمان بر مراتب نزدیکتر از انبیاء و قدیسین شجره طیبه هستند و لذا توسل به این نوع انسانها به رحمت و شفاعت الهی نزدیکتر است. در واقع بایستی مریم مجدلیه را واسطه و پیوند دهنده مسیحیان و بلکه همه مردم جهان به حضرت مریم (ع) و حضرت مسیح (ع) دانست همانطور که حضرت مسیح و مریم هم واسطه و رابط مردم با خداوند هستند.

۲۳- برخی می گویند این حرفها برای ما مسلمانان در حکم شرک و ارتداد است و مسلمانان نباید به سائر انبیاء و اولیای الهی متوسل شوند. اینهم از آن حرفهای کافرانه است که در لباس نژاد پرستی دینی و شجره ای پنهان شده است زیرا خود خداوند در قرآن می فرماید که: همه پیامبران در نزد خدا یکی هستند.

۲۴- امکان ندارد مسلمانی، محمد و علی را دوست بدارد و مسیح و موسی را دوست ندارد. امکان ندارد مؤمنی، حضرت فاطمه را دوست بدارد و حضرت مریم را دوست ندارد. و اتفاقاً این محک بسیار دقیقی است برای حقانیت و درستی ایمان اسلامی ما و تشخیص دین و ایمان فطری و قلبی از دین عاریه ای و نژادی و موروثی جبری و سهوی. این بهترین محک تشخیص ایمان از نژاد پرستی است.

۲۵- روزی یکی از دوستان، مقاله ای درباره مسیح (ع) را از اینجانب بدست یک کشیش مسیحی داده بود. طبق گزارش این دوست اگر من در آنجا می بودم احتمالاً خونم بدست آن کشیش ریخته می شد که: شما مسلمانان را چکار به مسیح که اصلاً درباره اش فکری بکنید و حرفی بزنید. چه کسی به شما این اجازه را داده است و ...

۲۶- مشابه چنین ادعا و غیرتی را از یک آخوند خودمان هم شنیدیم که: شما مگر مسیحی شده اید. چرا اینقدر مسیح و حضرت مریم را مهم و پررنگ و معروف و بزرگ جلوه داده اید. این توهین به اسلام و پیامبر اسلام و خاندان عترت است و ...

۲۷- این دو نوع نژاد پرستی است (کفر) که خود را در لباس غیرت دینی پنهان کرده است: نژاد پرستی مسیحی و اسلامی!! این همان غرب زده گی و عرب زده گی است که لباس اسلام و مسیحیت برتن کرده است. وگرنه عشق به مسیح عین عشق به مهدی است و این دو باهم و یکی هستند و باهم ظهور می کنند. و هرکه یکی از این دو را دوست نداشته باشد دیگری را هم دوست نمی دارد و منکر است.

۲۸- کسی که حضرت مریم را دوست نداشته باشد نمی تواند حضرت فاطمه را هم دوست بدارد. زیرا مریم (ع) اسبق است و اینها همه از یک سلاله و خاندان هستند یعنی اهل الله هستند.

۲۹- همانطور که مثلاً اگر یکی از امامان را دوست نداشته باشیم و یا نسبت به او بی رغبت و مسئله دار باشیم بدان معناست که علی (ع) و حسین (ع) را هم دوست نداریم و احساس ما نسبت به این دو یک احساس غیر ایمانی است و احتمالاً فقط به شمشیرشان ارادت داریم و نه امامت آنها.

۳۰- به همین دلیل خداوند در قرآن مؤمنان مسلمان و یهود و نصاری و مجوس را در یک رده و همپراز قرار داده و اهل هدایت خوانده است. زیرا ایمان بمعنای محبت به همه انبیاء و اولیای خداست و نه فقط یکی از آنها.

۳۱- به یاد دارم که در محله ما یک خانواده کلیمی بود که هر کسی در آن محله با افراد این خانه دعوائی داشت به نام غیرت اسلامی، به حضرت موسی فحاشی می کرد و گویی از اسلام دفاع می نمود. این نمونه ای از دین منافقانه و نژادپرستانه است که مذهب ضد مذهب است و در هر مذهبی پنهان باشد آن مذهب را بدنام می کند.

۳۲- باز هم تأکید و تکرار می کنیم که توسل به مؤمنان و قدیسین و عارفان خارج از شجره انبیاء و اولیاء، بمراتب به شفاعت و بخشش و هدایت روحانی نزدیکتر است به دو دلیل: یکی اینکه ما هم خود از شجره انبیاء و امامان نیستیم اکثراً. پس حس همدات پنداری ما به آنان شدیدتر و لذا در دسترس ترند. و دیگر اینکه اینان بواسطه توبه به مقام قدسی رسیده اند و ما غریزاً نمی توانیم بگوئیم که اینان مادرزادی مقدس بوده اند. یعنی بشری مثل خود ما هستند و هیچ توجیه و خودفریبی ممکن نیست. و مریم مجدلیه در رأس چنین اولیائی قرار دارد و توسل و تأمل درباره او به رحمت و بخشش و نجات اکثر عامه مردم نزدیکتر است زیرا قادر نیستیم تا او را همچون مسیح و امامان بر عرش بنشانیم تا دستمان به آنها نرسد و عصمت آنان را حجتی بر حق بی عصمتی خود قرار دهیم و خود را توجیه کنیم و هرگز توبه نکنیم.

۳۳- بنظر ما مسلمانان و شیعیان، تنها شعبه ای از مسیحیت که بر دین مقدس مسیح استوار مانده است آن شعبه ای است که از مریم مجدلیه در تاریخ جاری شده است. و نه پیروان اناجیل اربعه که سراسر تحریف است و پیروانشان از مسیح فقط برای اشاعه مفاسد استفاده می کنند و مسیح را شفیع بی قید و شرط خود و تضمین کننده بهشت و بخشنده همه گناهان خود می دانند و لذا در استمرار گناه خود روز به روز بیشتر پافشاری می کنند. به مانند بسیاری از شیعیان در رابطه با امامان.

۳۴- مریم مجدلیه زنی بود که در رگهایش خون نبوت و در ژن هایش، ژن عصمت و طهارت نبود ولی خود بواسطه توبه و جهادش به مقام نبوت و عصمت و طهارت رسید تا آنجا که با مسیح در معراجش همسفر بود و مرتباً او را دیدار می نمود و چنین مقامی برای حضرت مریم مادر مسیح گزارش نشده است.

۳۵- مریم مجدلیه حجتی بر این ادعاست که آدمی حتی اگر از شجره خبیثه و نسل یهودا و شمر و یزید هم که باشد می تواند به مقام عصمت و طهارت برسد و بلکه از مقام انبیای الهی فراتر رود همانطور که بسیاری از عارفان رسیده اند. و اینست که پیامبر اسلام می فرماید که مؤمنان امت من در آخرالزمان، از انبیای سلف در نزد خدا برترند.

۳۶- حضرت مریم (ع) هم پیامبر زاده بود و هم بدست پیامبر دیگری (زکریا) تربیت شده بود و هم پیامبر زاد بود که مسیح را مادر زاد پیامبر زائیده بود آنهم در همسری با خود خداوند. و با اینحال وصایت و امامت دین خدا و مسیح به یک زن تباه شده ای محول شد که توبه کرده بود. و این نیز یک حجت و رازی عبرت انگیز است که همواره حقیقت هر دینی به غیر نژاد آن پیامبر محول می شود همانطور که دین اسلام به ایرانیان محول شد و در ایرانیان شکوفا شد و در اعراب به خاک و خون کشیده شد. همانطور که دین مسیح در قومش بنی اسرائیل به خون کشیده شد و تحریف گردید.

۳۷- این بدان معناست که خداوند کسانی را که از او دورترند یعنی تباه ترند بیشتر دوست می دارد و بلاوقفه در انتظار توبه و رویگردشان است و توبه و اصلاحی هرچند کوچک این گناهکاران را بر ریاضت های کبیر انبیاء و اولیای خود ترجیح می دهد. در این باب در احادیث قدسی سخن فراوان داریم. این حجت و عبرت و نشانه کبیر و رهانی بخش را از موجودیت تاریخی مریم مجدلیه می آموزیم و اینکه در نزد خداوند هم مزیت و برتری و عزت به افتخار آباء و اجداد طیبه نیست: ان اکرمکم عند الله اتقکم نه آبانکم!

۳۸- پس آنانکه نه پیامبر زاده اند و نه امام زاده از طریق مریم مجدلیه به خدا بسیار نزدیکترند زیرا مریم مجدلیه به بشر عامی و گنهکار نزدیکتر است و دست گنهکاران به او بیشتر می رسد تا مثلاً حضرت مریم مادر مسیح. هرچند آنانکه پیامبر زاده و امام زاده اند از طریق غیر نژاد خود بخدا نزدیکتر می شوند زیرا نژاد و شجره، ظلمانی ترین حجاب بین بنده و خالق است. و هیچ ظلمتی شدیدتر از ظلمت دین نژادی و موروثی نیست. و بی جهت نیست که امروزه در سراسر جهان چه بسا مسلمانانی که مسیحی می شوند و چه بسا مسیحیان مادرزادی که مسلمان می شوند و پس از این تبدیل و گذار به قلمرو ایمان وارد می شوند. اینست راز واقعه.

۳۹- موجودیت مریم مجدلیه بزرگترین عامل رشد و توسعه جهانی دین و ایمان مسیحی در تاریخ بوده است زیرا هر انسان گنهکار و تباه شده ای می توان باور کند که در صورت توبه می تواند تا عرش خدا بالا رود و مقرب درگاهش گردد و حتی از انبیای الهی عزیزتر شود . و این کم حجت و رحمتی نیست .

۴۰- همانطور که وجود علی (ع) در کنار پیامبر اسلام بزرگترین راز توسعه جهانی اسلام بوده است و طبق کلام پیامبر بدون علی (ع) نمی توان بر وجود او وارد شد . درباره مریم مجدلیه هم نسبت به مسیح چنین حقی حضور دارد . مریم مجدلیه بزرگترین امام و حجت دین مسیح بعنوان پیامبری زنده است . و مریم مجدلیه کوتاهترین و سریعترین راه اتصال به کانون نجات و رستگاری روح الله در آخرالزمان است . خاصه برای زنان جهان که غرق در گناهند و از فرط گناه از رحمت خدا مأیوس شده اند . مریم مجدلیه ، بزرگترین نور امید به بخشودگی و رستگاری است برای گنهکاران عصر آخرالزمان . همانطور که پیامبر اسلام در وصیت خود اویس قرنی را که هرگز ندیده بود شفیع امت خود قرار داد .

۴۱- فرقه ای از مسیحیت وجود دارد که بر این باور است که از مریم مجدلیه در تاریخ نسلی جاری شده است که جملگی از مخلصین و قدیسین و عارفان هستند یعنی یک شجره طیبه جاری شده است . و این بدان معناست که هر انسانی خارج از شجره انبیای الهی که با توبه به قرب الهی برسد از نزد خدا بانی شجره ای طیبه در تاریخ بشر می شود . هرچند که انسان متصل به خداوند برای جاودانگی خود نیازی به شجره ای بر روی زمین ندارد و از مصادیق لم یلد و لم یولد است احد و صمد و بی همتا چون خدا .

۴۲- بر هر اهل معرفتی این سنوال مطرح می شود که مگر مریم مجدلیه چه جهاد بزرگی در دین خدا انجام داده بود که به چنان مقام حیرت آوری در نزد خدا و در دین روح الله نائل آمد . مریم مقدس تمام عمرش را از کودکی تا به آخر برای دین خدا خدمت کرد و مرارتها و ملامتها کشید و حاملگی قدسی او که موجب تهمت غیرقابل تحملی به او گردید به تنهایی می تواند منجر به اجر بزرگتری شود . از کودکی برای رضای خدا از خانواده اش بدور افتاد و در معبدی به خدمت پرداخت و در سن کمالتش شاهد مصلوب شدن پسرش شد و آنرا حمل نمود ، ولی آیا مریم مجدلیه چه کرده بود ؟

۴۳- اگر مقام و قدر توبه را در نزد خدا ندانیم مریم مجدلیه را درک نمی کنیم و تصدیق نمی توانیم کرد . او توبه گری بزرگ بود و زان پس با عشق قدسی مسیح زیست و تمام وجودش را در راه اشاعه دین او نهاد . و همین !

۴۴- روزی حضرت مسیح به دیدار دو تن از مریدانش رفت که هر دو زن بودند . یکی مشغول خدمت و پذیرایی از مسیح شد و دیگری که مریم مجدلیه بود با ادب کامل درمقابل مسیح نشست و با تمام وجود غرق در تماشای او و گوش دل به سخن او داد . مسیح به هنگام برخاستن گفت : راه و روش مریم به هدایت نزدیکتر است .

۴۵- دل دادن به پیر و امام و ناجی خود صراط المستقیم هدایت و تعالی است . چون مسیح روح الله بود و روی به او نمودن یعنی روی به وجه الله کردن است که طبق قول قرآن همان صراط المستقیم هدایت است . به همین دلیل مریم در وجود مسیح با خدایش متحد شد و به وصال رسید . رابطه مریم با مسیح چنان روحانی و توأم با خلصه و اتحاد بود که بسیاری می پنداشتند که همسر مسیح است و این شایعه در تاریخ باقی ماند .

۴۶- توبه از شیطان و اتصال به روح الله ، راز تعالی و عروج مریم مجدلیه است . درکلامی از پیامبر اسلام می خوانیم که ایشان در سفر معراجش در آسمانهای برتر بسیاری از اصحاب مخلص خود را دیدار کرده است . و این بدان معناست که بسیاری از مریدان که دل و جان به رسول داده بودند در این معراج با او همراه بودند و به درجاتی عروج کردند از جمله علی (ع) که در آسمان هفتم با پیامبر حضور داشت . ماجرای مریم مجدلیه نیز با مسیح چنین است . و این ماجرای عشق عرفانی در رابطه بین مراد و مرید است . مریم مجدلیه یک مرید خالص است و در عروج مسیح نیز با اوست .

۴۷- مریم مجدلیه همسر روحانی مسیح نیز محسوب می شود همانطور که هر انسانی باید با همسرش دارای نفس مشترک و مقام واحد معنوی باشد همانطور که برای حضرت مریم نیز به روی زمین همسری که در شأن او باشد نبود و خداوند با وی همسری نمود که البته از ماهیت کاملاً متفاوتی است .

۴۸- مریم مقدس هرگز گناهی نکرد و همواره پاک ماند . ولی مریم مجدلیه غرق در همه گناهان کبیره بود و تمام وجودش را شیاطین تسخیر کرده بودند که مسیح این شیاطین را از نفس او خارج و طرد کرد . او بعد از آنهمه گناه و تباهی بود که توبه کرد و پاک شد و این مقامی برتر است .

۴۹- بمیزانی که یک انسان گناهکار و مسخر بواسطه شیاطین ، دل و جان به مرد خدا می سپارد شیاطین وجودش می روند و رهاش می کنند . این همان معنای است که مسیح خود می فرمود که : مرا دوست بدارید تا بخشوده و رستگار شوید ! یعنی دل بمن دهید تا پاک شوید زیرا قلوب انسان است که قلمرو تسخیر شیاطین است که او را به گناه می کشانند .

۵۰- این دل است که سرنوشت هر انسانی را تعیین می کند بسته به اینکه به کدام سو و در خدمت چه کسی و جایگاه چه انسانی باشد . و دل مریم مجدلیه جایگاه روح الله بود . بقول قرآن کریم انسانها جملگی دو به دو به بهشت یا دوزخ می روند . و بسته به اینست که آدمی چه کسی را بعنوان دوست دین و دنیای خود برگزیده باشد و دل به چه کسی داده باشد .

۵۱- زن بدلیل محبوبیت جنسی در نزد مردان بزرگترین مدخل شیطان است . آنقدر که زنان شیطان زده فراوانند مردان شیطان زده نیستند . و تازه مدخل ورود شیطان به مرد هم زن است و زن در نزدیکترین حد به شیطان قرار دارد و بنابراین توبه و اخلاص زن امری بس کمیاب و بزرگ است . زنان بندرت به قلمرو اخلاص وارد می شوند و آنها هم که می شوند در دین و معرفت از مردان پیش تر و مقرب ترند . و این بدان معناست که هر حرکت و توبه ای در زن و هر جهادی در مسیر دین و معرفت ، اجری خارق العاده دارد و خداوند او را بسیار عزیزتر می دارد . همانطور که هیچ مرد مقدسی در تاریخ به مقام و منزلت حضرت مریم در نزد خداوند نائل نیامده است . و مریم مجدلیه هم در رابطه بین مسیح و مادرش مریم ، به چنین مقامی رسیده است .

۵۲- سرنوشت آدمی از روابط او با سائر آدمهاست و مقام بی بدیل مریم مجدلیه در ارتباط ویژه اش با مسیح و مریم مقدس حاصل آمده است . آدمی بخودی خود و به تنهایی هیچ حرکتی ندارد و به هیچ سوئی نمی رود نه بهشت نه دوزخ . نه خدا و نه شیطان . حرکت و تکامل در هر دو سوی حاصل رابطه های جدی و عمیق است . روابطی که کل زندگی را در بر می گیرد و نه فقط بخشهایی از آن را .

۵۳- مقام روحانی مریم مجدلیه ثابت می کند که مقام عصمت و طهارت امری میراثی و مادرزادی نیست هرچند که همه آدمها پاک بدنیا می آیند ولی اندکند که پاکی را حفظ کنند و نیز اندک ترند کسانی که بعد از ابتلای به ناپاکی دوباره توبه کرده و پاک شده و به مقام عصمت نائل آیند . همانطور که حضرت مریم هم تمام عمرش بواسطه مجاهدتهایش عصمت خود را حفظ نمود .

۵۴- اگر مریم مجدلیه تنها حواری مسیح بود که هرگز تا به آخر شکی نکرد دال بر مقام اخلاص و عصمت اوست . این بدان معناست که انسانی غرق در ناپاکی و ظلمت و تسخیر شده بواسطه شیاطین هم می تواند به مقام اولیای الهی برسد اگر بخواهد . مقام عصمت بر همه بندگان خدا ممکن است و فقط مختص انبیاء و امامان برگزیده نیست وگرنه مسئله هدایت معنایی ندارد همانطور که علی می فرمود : از من تبعیت کنید و مرا دوست بدارید تا به مقام من برسید . اگر قرار نباشد یک مرید به مقام امام خود برسد پس کل اطاعت و ارادت مهمل و زیر سؤال است و اصلاً معنای «امام» بیهوده می شود زیرا امام برای مردم امام است نه برای خدا .

۵۵- منتهی خداوند برخی از انسانها را برگزیده و خود آنان را تحت تربیت و حراست ویژه قرار داده است تا نور هدایت برای خلق باشند و دیگران بدینوسیله به مقام اخلاص و عصمت و توحید برسند . و تازه این برگزیدگان خدا در تمام عمر خود غرق در بلا و محنت و استضعاف و ملامت و بیماری و بیبکسی هستند تا مستمراً پاک بمانند و نورشان درمیان مردم منقطع نگردد . درحالیکه مسیر هدایت پیروان و مریدان بسیار ساده تر است و قابل قیاس با امامانشان نیست . این همان مقایسه بین مریم مقدس و مریم مجدلیه است . و این لطف و کرامت و شفاعت و جودی اولیای خدا درحق مردم است .

۵۶- زن بدلیل حضور اراده به پرستیده شدن در نفس خود ، کانون اصلی القاعات شیطانی در جامعه بشری است . و لذا زن بدکاره و فاسق که شبانه روز مترصد شکار کردن مردانی است که او را ببرستند وجودش بواسطه شیاطین محاصره و مصادره است و لذا چنین زنی مطلقاً بی اراده و شیطان زده و دیوانه است و لذا اراده به توبه کردن هم در او تعطیل و ناممکن است و این از قدرت اراده و شفاعت مسیح است که نفس مریم مجدلیه را از آنهمه شیاطین منزّه ساخته و نجات می دهد . نجات جز به این معنا نیست زیرا همه انسانها کمابیش در مصادره شیاطین گوناگونند و لذا جز به یاری یک انسان مخلص و پاک قابل نجات

نیستند تا دوباره به اراده انسانی و عقل خود بازگردند . نجات مریم مجدلیه یعنی رجعت او به اراده و عقل انسانی خودش . ناجی گری و نجات همواره جز این معنایی نداشته است : رجعت به اراده و اختیار ! و این همان معنای رستگاری است زیرا انسان صاحب اختیار بی شک خدایش را برمی گزیند .

۵۷- زن بدون پذیرش ولایت و ارادت کامل و خالصانه یک مرد خدا هیچ امکان نجات و رشدی ندارد زیرا از شیطان «اراده به پرستیده شدن» رهائی ندارد . چنین زنی (که همه زنان چنین اند) جز در اطاعت مریدانه و صادقانه از اراده یک مرد حق امکان نجات از سیطره شیطان ندارد زیرا اطاعت از اراده مرد خدا عین اطاعت از خداست که در نقطه مقابل اراده شیطان قرار دارد . و زن برای رهائی از شیطان بایستی شبانه روز بر علیه اراده به پرستیده شدن در خود مبارزه کند و این مبارزه عملاً همان پرستیدن اراده یک مرد خداست و اینست تنها راه نجات زن از سلطه شیطان . و این همان کاری بود که مریم مجدلیه کرد و مظهر رهائی یک زن نابود شده ، گردید .

۵۸- و این مرد ناجی هرگز نمی تواند شوهر باشد حتی اگر شوهری مؤمن و مخلص باشد زیرا زن و شوهر از نفس واحدی هستند و اطاعت از شوهر عین اطاعت از نفس خویشتن است . هیچ مرد حقی قادر نیست در حریم خانواده و نژاد درجه یک خود نقش امام و راهبر را داشته باشد و این یک قانون است . وگرنه حضرت ابراهیم وادار نمی شد که زن و فرزندش را به تبعید در برهوت عربستان ببرد و نهایتاً سر پسرش را از بدنش جدا کند .

۵۹- زن باید در چهارچوب وظایف شرعی از شوهر اطاعت کند و همین . شوهر در هیچ مقام معنوی نمی تواند ناجی و امام زنش باشد الا اینکه یک مالخولیا رخ می نماید .

۶۰- حضرت مریم یک پیامبر زاده بود و زکریای نبی هم از بستگان نزدیکش بود و با اینحال برای تربیت او مجبور شدند او را از حریم خاندان عصمت و طهارت خود بیرون کنند و به یک معبد بسپارند هرچند که روحانیون آن معبد اکثراً منافق و عدا بودند و بیشترین آزار و شکنجه و تهمت را بر مریم مقدس وارد کردند و همین موجب رشد و تعالی او شد و او را به همسری با روح القدس رسانید و هم کلام خدا شد .

۶۱- وجود زنانی چون حضرت مریم و خاصه مریم مجدلیه ثابت می کند که زن هم قابلیت وحی و اشراق و معراج را داراست و از مرد هیچ کم ندارد ولی راه و روش سلوک او کاملاً متفاوت است زیرا زن است و زن به لحاظ نفسانی ضدّ هویت مرد است . و نیز نشان می دهد که زن در راه سیر الی الله ویژه گی و استعداد خاص خود را دارد و می تواند ذاتاً همکلام خدا شود یعنی محدثه ! همانطور که فاطمه (ع) چنین شد و این مقامی برتر از وحی جبرائیلی است . ولی برای رسیدن به این مقام بایستی در اراده یک مرد خدا حلّ و فنا شود تا اراده به پرستیده شدن در او نابود گردد و برای همیشه از وسوسه شیطان برهد . و راز این واقعه همانا دل دادن تمام و کمال به مرد خداست و نه کنیزی و تبدیل به عورت شدن ! زیرا دل زن امن ترین و لطیف ترین مامن و کمینگاه شیطان است پس این دل بایستی تماماً در نزد یک مرد خدا باشد یعنی دل داده گی محض ! و این همان چیزی است که نفس مکار و امّاره زن از آن اکراه دارد و بلکه می خواهد که او صاحب دل مرد باشد و این عین کفر و شیطان است و مردی هم که دل به زن دهد بقول علی (ع) اراده و عقل و وجدان و فطرت دینی خود را تماماً به شیطان وانهاده است .

۶۲- آنانکه با توسل و سوء استفاده از حکایاتی مثل شیخ صنعان در آثار عطار می خواهند زن ذلیلی و زن باره گی خود را تقدیس کنند به عاقبتی هولناک می رسند و نهایتاً به خون زن تشنه می شوند و به جنون و جنایت می گرایند . شیخ صنعان عارف وارسته ای بود که طبق یک رویای صادقانه و به امر خدا و به اراده عرفانی اش تن به چنان سرنوشتی سپرد و نهایتاً هم به وصال با پروردگارش رسید و آن دخترک فاسق هم توبه کرد و مرید شد و بزودی از جهان رخت بربست . استفاده از حکایات و رموز عرفانی جهت توجیه فسق و فجور عواقبی غیر قابل جبران دارد . داستان شیخ صنعان به مانند رویای حضرت ابراهیم در ذبح اسماعیل است که به امر خدا صورت گرفت . حکایت شیخ صنعان در منطق الطیر ، حکایت خودشکنی و خود براندازی در قلمرو شریعت است آنگاه که خود شریعت در انسان تبدیل به یک بت و خود پرستی لطیف می شود و حجاب بین عابد و معبود می گردد . و خود خدا بود که شیخ را به این بت پرستی مبتلا کرد و بت شریعت پرستی و عصمت صوری را در او شکست تا او را به حقیقت و عصمت برتری برساند . بمانند کاری که شمس تبریزی با مولانا کرد و مولانا را از شریعت به اوج حقیقت جمال رسانید که همان حقّ شریعت بود و نه خلاف آن و یا مثل عشق و ابتلای یوسف و ذلیخا .

۶۳- کلّ ابتلای زن به شیطان حاصل تلاش او برای دل بردن از مرد است حتی از شوهرش . چرا ؟

۶۴- اولاً که این دلبری یک ترفند و مکر و بازی کاملاً آگاهانه و لذا پلید است و تماماً بر حیل استوار است و هیچ عنصری از حبّ و صفا و وفا را در خود ندارد و تماماً دروغ است پس ذات این تلاش شیطانی است و مقصودی جز تحت سلطه درآوردن اراده مرد ندارد پس سراسر ظالمانه است . و لذا خود زن طبق کلام خدا به مکر خودش مبتلا می شود . زیرا شیطان به امر خدا بسراغ هر حقه بازی می رود تا او را رسوا کند . و لذا در جریان این تلاش زن برای مسلط شدن بر اراده مرد ، شیطان بر او وارد شده و اراده زن را تصرف می کند و او را به فسق و فجور و چه بسا زنا می کشاند و رسوا می کند .

۶۵- پس فضاحت و بی آبرویی و روسپی گری زن جزای تلاش او برای دل بردن از مرد و مسلط شدن بر اوست . و این تلاشی خلاف ذات زنانه و اراده خداست زیرا این زن است که باید دل به مرد دهد و تسلیم اراده او شود تا آرام و قرار گیرد و صاحب اراده ای صادقانه و پاک و برحق شود . و دلبری زن حتی اراده حیوانی اش را هم از او می ستاند و ملعبه شیطان می کند . و اینست راز روسپی شدن زنان در پنهان و آشکار .

۶۶- زن به تعداد مردانی که از آنان دل برده است دارای شیطان می شود که این شیاطین بر اراده او حکم می رانند و چون شیطان دشمن قسم خورده عزت و شرف انسان است لذا زن را بسوی فضاحت و بی شرافتی و روسپی گری و رسوایی می کشاند . روسپی گری جزای دلبری زن است .

۶۷- اراده به پرستیده شدن در زن است که او را لانه شیاطین می کند زیرا این کفر آشکار و جنگ با خدا می باشد زیرا جز خدا لایق پرستیده شدن نیست و اینست که زن نفساً دشمن ایمان و حق پرستی شوهر خویش است حتی اگر خود زن مؤمنی باشد .

۶۸- مریم مجدلیه به روایتی دارای هفتاد شیطان در نفس خود بوده است که بدست مسیح از وجودش خارج شدند . امروزه زنان مدرن جملگی مریم های مجدلیه محسوب می شوند که جز بدست مرد مسیحا نفسی امکان رهایی از اسارت شیاطین را ندارند . او دلش را به مسیح داد و مسیح آن شیاطین را از دلش بیرون راند . اینست راز و اهمیت تاریخی مریم مجدلیه برای زن مدرن .

۶۹- هر زنی که دلبری می کند حامل شیطان است و وای بحال مردانی که فریب دلبری او را می خورند و به این شیاطین مبتلا می شوند .

۷۰- هر زنی که در خیابان و جامعه خود دلبری می کند مشغول اشاعه شیطان است و جامعه را شیطانی می سازد و اینست راز مفساد در هر اجتماعی . یک زن عشوه گر و دلبر برای تباهی یک شهر کفایت می کند .

۷۱- تمام بدبختی های دنیا و آخرت یک زن فقط و فقط برخاسته از اراده به پرستیده شدن است و لاغیر . و برای رهایی از این اراده شیطانی و شیطان پرستی جز مریدی یک مرد حق به تمام و کمال و دل سپردن به او ، راه دیگری برای زن موجود نبوده و نیست . و مریم مجدلیه اسوه تاریخی این ابتلاء و رهایی از آن است .

پایان